

بحثی درباره ماده ۲۶۸ مکرر قانون مجازات عمومی

ماده ۲۶۸ مکرر جامع جمیع صفات لازم برای یک قانون خوب است و شرایط زمانی و مکانی در آن رعایت شده است ولی در هر حال آن قاضی که مجری قانون است بدون اینکه کاری بفلسفه وجودی قانون داشته باشد در درجه اول موظف است که قانون را اجرا کند بنابراین در مورد ماده مذکور صرف نظر از جنبه های دیگر باید ببینیم چه اشکالی در اجرای این ماده قانون ممکن است پیش آید ..

اولاً - قانون مذکور میگوید : « هر کس بوسیله صحنه سازی از قبیل پی کنی هبادرت بتهیه آثار تصرف در ملک دیگران نماید » در این قسمت لازم است بدو کلمه « املاک دیگران » توجه نمائیم آیا این مطلب که ملک مورد تصرف متهم ملک دیگری است چگونه احراز میشود ؟

اگر شاکی سند مالکیت مثبتی در دست داشته باشد و این سند هم بر زمین مورد دعوی تطبیق نماید ظاهراً اشکالی پیش نمیآید ولی چنانچه شاکی سند مالکیت نداشته باشد و فقط ادعای مالکیت بنماید و اسنادی عادی ارائه دهد آیا در این صورت میتوان نظر مجرمیت متهم داد ؟

بنظر نگارنده صدور قرار مجرمیت متهم در عین حال که او نیز ادعای مالکیت دعوی را نموده برخلاف اصول و موازین قانونی است و جز صدور قرار اناطه راهی برای قاضی محقق باقی نمیماند.

در این صورت دادستان یا بازپرس بموجب قسمت اخیر ماده ۲۶۸ مکرر نمیتوانند دستور توقیف عملیات متهم را صادر نمایند زیرا با وجود صدور قرار اناطه و اینکه احراز مالکیت بعهدہ محکمه حقوق و اگذار شده و با احتمال اینکه ممکن است متهم مالک مورد دعوی شناخته شود نمیتوان او را از تسلط و دخالت در ملک خود منع کرد.

ممکن است در مورد دو کلمه « املاک دیگران » اینطور تصور شود که چنانچه شاکی به سبق تصرف خود نسبت بملک مورد دعوی استناد نموده و سابقه تصرف او نیز احراز شود میتوان ملک را از آن او دانست ولی بعقیده نگارنده تنها سبق تصرف ایجاد مالکیتی برای شاکی باین نحو که بتوان طرف او را مجازات نموده نینماید زیرا تصرف غیر از مالکیت است و آن اعتبار را ندارد که علت مجازات متهم واقع شود.

ثانیاً در جای دیگر ماده نوشته شده که : « یا بمنظور جلوگیری از تصرف مالکین یا متصرفین واقعی دعوی تصرف عدوانی علیه آنها طرح نماید بحبس تأدیبی محکوم خواهد شد » آیا استناد قاضی بر اینکه مالک یا متصرف

بھی در باره ماده ۳۶۸

واقعی کیست بر چه چیز میتواند باشد ؟ در صورتیکه شاکی سند مالکیت داشته باشد اشکالی پیش نیاید ولی تصرف متصرف واقعی بچه نحو احراز میشود تا باستناد آن متهم تعقیب شود تصرف واقعی که عبارت از همان سبق تصرف شاکی است معمولاً مثل دعوی تصرف عدوانی با گواهی علمای از گواهان احراز میشود.

در این صورت شاکی و متهم در پرونده جزائی ابتدا بصورت خواهان و خوانده در دعوی تصرف عدوانی در میآیند و چنانچه شاکی گواهان بیشتری تهیه نمود و سبق تصرف او احراز گشت آیا میتوان فقط باستناد گواهی چند نفر ملک ویرا از آن شاکی دانست و قرار مجرمیت متهم را صادر نمود ؟

صرف نظر از این مطلب آیا تعقیب جزائی کسیکه در دعوی تصرف عدوانی محکوم به بی حقی شده (فقط باستناد اینکه محکوم شده) بر اصول و موازین حقوقی منطبق است ؟ ممکن است تصور شود قانون گذار قصد را که در کلیه جرائم شرط است در این ماده نیز تلویحاً منظور نموده ولی آیا این قصد چگونه احراز میشود ؟

چطور میتوان تشخیص داد که خواهان دعوی تصرف عدوانی دعوی را بدون سوء نیت مطرح نموده (مثلاً زمین را ملک خود تصور نموده) یا اینکه بقصد تضییع حق دیگری دادخواست تصرف عدوانی داده است ؟ شایسته بود راهی برای احراز این مطلب در خود قانون پیش بینی شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی